

سیر پیشرفت ادبیات در انقلاب مشروطه ایران

کسری بقائی پور^۱

زهرا فاضلی^۲

زهرا ازوجی^۳

چکیده

گفتمان مشروطه خواهی ایرانیان که حول محور اندیشه مشروطه خواهی و قانون گرایی، شکل گرفته بود، حاصل طرح و برجسته سازی اصول، مبانی و مفاهیم مشروطیت بود. که توسط گروهی از روشنفکران و از طریق چاپ و انتشار آثار و مکتوباتشان به تدریج در نیم سده عصر ناصری؛ وارد فضای سیاسی و اجتماعی جامعه ایران شد. گفتمان پیشرفت در انقلاب مشروطه، گفتمان آشنایی هر چه بیشتر ایران با «تجدد غربی» بوده است. پیشرفت و تجدد مطرح شده در جامعه ایرانی با تقابل آن با سنت، پیامدهای مختلفی به وجود آورد که در آن ها دیدگاه های اندیشمندان و روشنفکران گوناگون را می توان مشاهده کرد. هدف از طرح مسئله و پرسش از گفتمان پیشرفت در انقلاب مشروطه ایران؛ تحلیل محتوای این گفتمان و شناسایی مفاهیم اصلی آن و نیز خرده گفتمان های مطرح شده در انقلاب مشروطه ایران است. و نیز از اهداف اصلی دیگر این مقاله، مقایسه تطبیقی گفتمان پیشرفت و تجدد با مفهوم توسعه اجتماعی مطرح شده است. در این پژوهش، از روش تحلیل محتوای کیفی مضمونی استفاده شده است که از درون آن گفتمان های غالب در آن دوره را به مورد بررسی قرارداد و علاوه بر روش تحلیل محتوای کیفی از تحلیل اسنادی نیز برای غنای بیشتر مطالب و روشن شدن حدود خرده گفتمان ها استفاده شده است. بر اساس یافته ها؛ یک گفتمان اصلی که با مرکزیت و دال مرکزی «تجدید استبداد» شکل گرفته بود دارای سه خرده گفتمان «تجددی»؛ «اصلاح طلبی» و «سنت گرایی» است. و مولفه های گفتمانی هر یک از خرده گفتمان ها در گفتمان اصلی را مشخص و با تحلیل و مقایسه مفهوم توسعه اجتماعی با گفتمان های پیشرفت و تجدد، سعی خود را در دست یابی به مفهوم کلی از مفاهیم نواندیش در انقلاب مشروطه انجام دادیم. گفتمان پیشرفت در انقلاب مشروطه ایران سرآغاز طرح و بررسی و جستجو در مفاهیم نوآینی است که در تحلیل های جامعه شناسی تاریخی زمانه معاصر ایران و در آخر با تقسیم عوامل شکست گفتمان پیشرفت به دو جنبه فکری و اجتماعی سیاسی در جهت رسیدن به غنای بیشتری از تحلیل نتایج گفتمان پیشرفت در جامعه ایران قدم برداشته ایم.

همایش ملی پژوهشهای شعر معاصر فارسی

کلید واژه: انقلاب مشروطه، گفتمان پیشرفت، توسعه اجتماعی، روشنفکران، جامعه شناسی تاریخی

www.anjomanfarsi.ir مقدمه

تحقیقات جامعه شناسی تاریخی، نشان می دهد که پدیده های جهان کنونی معاصر، مانند نهادها، ساختارها و اشکال کنش، چگونه ایجاد شده و توسعه پیدا کرده اند و در آینده چگونه ممکن است تغییر یابند. از سوی دیگر، جامعه شناسی تاریخی، نشان می دهد که پدیده های اجتماعی - و از جمله تفکرات اجتماعی - محصول یک زمان، مکان و موقعیت اجتماعی ویژه و خاص هستند. در واقع، جامعه شناسی تاریخی به تنوعات فرهنگی و تفاوت های اجتماعی - از مکانی به مکان دیگر - صحنه گذاشته و مهر تایید می زند.

انقلاب مشروطه را به عنوان یک گفتمان، در زمینه اجتماعی - تاریخی به بحث گذاشت که حکایت از این دارد هنوز جنبه های مبهمی از حیث تئوریک و کاربردی در این حوزه پژوهشی مخفی مانده است. انقلاب مشروطه، نه تنها انقلابی تاریخی، بلکه سرآغاز تغییرات اجتماعی بزرگی در تاریخ اجتماعی معاصر کشورمان بوده است. مقارن با

^۱ دانشجوی دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد تهران شمال

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی محض

^۳ دانشجوی کارشناسی علوم اجتماعی ارتباطات

سال‌های مشروطه طلبی در ایران، بیانیه‌های تند و شدیدالحنی در حوزه‌ی ادبیات به ویژه شعر فارسی از سوی روشنفکران مشروطه خواه صادر می‌شد، که در تازگی مضامین و اندیشه‌های شعر مشروطه تأثیر مستقیمی داشت. در مورد مجموع آرای نظریه پردازان عصر مشروطه در حوزه‌ی شعر باید گفت آن‌ها در هر دو زمینه‌ی چه گفتن و چگونه گفتن معتقد به تحولات بنیادین بودند و همین بیانیه‌ها و نظرات روشنفکری موجب به وجود آمدن شعر مشروطه شد که در عین هدفمندی به لحاظ فرم و محتوا نیز تازگی‌هایی داشت. هدفمندی و سادگی شعر مشروطه آن‌را به درون کوچه و بازار کشاند و از انحصار دربار و اشرافیت بیرون آورد و عوامل دیگری چون توسعه‌ی سواد در میان عامه‌ی مردم و گسترش صنعت چاپ و انتشار، روز به روز تعداد مخاطبان شعر مردمی مشروطه را بالا برد. در این میان نباید از تأثیر سیاسی و فرهنگی مدنیت غرب و نیز از ضرورت تحولی که از سال‌ها پیش از حکومت ناصرالدین شاه به طور پراکنده در متون دوره‌های پیشین منعکس شده بود غفلت کرده باشیم (خاکپور، ۱۳۹۰). همان‌گونه که میرسپاسی بیان می‌دارد که؛ پروژه مشروطیت بر آن بود که فرهنگ سیاسی ایران را بر مبنای سنت لیبرالی مدرن، بازسازی کند. برای تحقق چنین مقصودی، لازم بود که رهبران مشروطه، فرهنگ ایرانی را با مدرنیته متلاطم کنند و در جهت دموکراتیک کردن نهادها و روندهای سیاسی در ایران، تلاش کنند. از آن جایی که قدرت سیاسی در ساختار دولت متجلی بود و مذهب نیز به عنوان فرهنگ غالب در شکل دهی به آن نقش ایفا می‌کرد؛ از دید روشنفکران و منتقدان اجتماعی، این دو مرکز قدرت می‌بایستی محل نقد و تغییر واقع می‌شدند. بسیاری از متفکران مشروطه یا از نخبگان سیاسی بودند (به عنوان مثال امیر کبیر، قائم مقام فراهانی، مشیرالدوله و...) یا به بخشی از طبقه روحانیت تعلق داشتند (از باب نمونه: سید جمال الدین اسدآبادی، محمد حسین نائینی، ملک المتکلمین و...). (میرسپاسی: ۱۳۸۴، ۱۱۱).

مشروطه‌خواهی و گفتمان مشروطه، بازسازی اندیشه و سامان سیاسی نوین ایران است. در این گفتمان، مفهوم نوین ملت ایران، و آرای ملت ایران، همچون بنیاد قدرت سیاسی و حاکمیت ملی، جایگزین مفاهیم سنتی «منشاء الهی» و «سلطنت مطلقه» می‌شوند. در این گفتمان نوین، «ملت ایران»، پرچم «آزادی، برابری، برادری» را برافراشته در پناه «مشروطیت»، «مجلس شورای ملی» و «قانون»، به دوران نوینی از زندگی فرهنگی و اجتماعی-سیاسی گام می‌گذارد.

تفسیر پدیده‌های اجتماعی، یکی از مهمترین اهداف جامعه‌شناسان بوده است. این تلاش که با رجوع به معنای ذهنی کنشگران حاصل می‌شود، درک بهتری از پدیده اجتماعی و نحوه مواجهه کنشگران با جهان اجتماعی را فراهم می‌آورد. یکی از مهمترین این مواجهات در تاریخ معاصر ایران، مواجهه با اندیشه‌های تجدد خواهانه و ترقی‌وار غربی بوده است که اثرات مهمی را در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی ایران بر جای گذاشته است

۱-۳-۱ اهمیت نظری

واکاوی و تحلیل محتوای گفتمان پیشرفت در انقلاب مشروطه سعی در برقرار کردن ارتباط میان انقلاب مشروطه و گفتمان توسعه

تحلیل مفاهیم ترقی خواهانه مشروطه با نظریات توسعه‌ای و پیشرفت

تحلیل شکل‌گیری زمینه تاریخی انقلاب مشروطه با نظریات جامعه‌شناسی تاریخی ایران

۱-۳-۲ اهمیت عملی

فراهم کردن زمینه لازم برای آشنایی بیشتر با ابعاد و جوانب مختلف انقلاب مشروطه مهیا کردن زمینه لازم برای برنامه ریزان فرهنگی و توسعه‌ای کشور تا در زمینه توسعه اجتماعی کشور برنامه‌های متناسب تری با شرایط تاریخی کشورمان تدوین کنند.

فراهم کردن زمینه برای پژوهش های مهم در زمینه توسعه اجتماعی تا بتوانیم به شناخت ابعادی از مشروطه دست پیدا کنیم تا بتوانیم بهتر و بیشتر ما را به حل مسائل زمان حال و یا رفع موانع اکنون کشورمان رهنمود سازد.

۴-۱ هدف های تحقیق

اهداف تحقیق شامل دو دسته هستند؛ اهداف کلی و اهداف جزئی. هر تحقیق معمولاً یک هدف کلی دارد که این هدف در ارتباط با مساله اصلی عنوان شده است و شامل چند هدف جزئی می باشد که هدف های جزئی زیرمجموعه و مرتبط با هدف کلی تحقیق طرح گردیده اند.

۱-۴-۱ هدف اصلی

ارزیابی و تحلیل محتوای کتاب هایی که در انقلاب مشروطه و بعد از آن درباره انقلاب مشروطه به نگارش درآمده است، که بر اساس آن گفتمان پیشرفت و ترقی در انقلاب مشروطه را مورد شناسایی قرار داده ایم.

۱-۴-۲ هدف های فرعی

بررسی کردن ابعاد توسعه در گفتمان انقلاب مشروطه

توصیف ارتباط انقلاب مشروطه و تضاد سنت و تجدد در ایران

مقایسه نگاه گفتمان پیشرفت در انقلاب مشروطه با نظریات توسعه

شناسایی نظریات متفاوت ترقی خواهانه در انقلاب مشروطه ایران

مروری بر اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران در آستانه ورود فکر تجدد

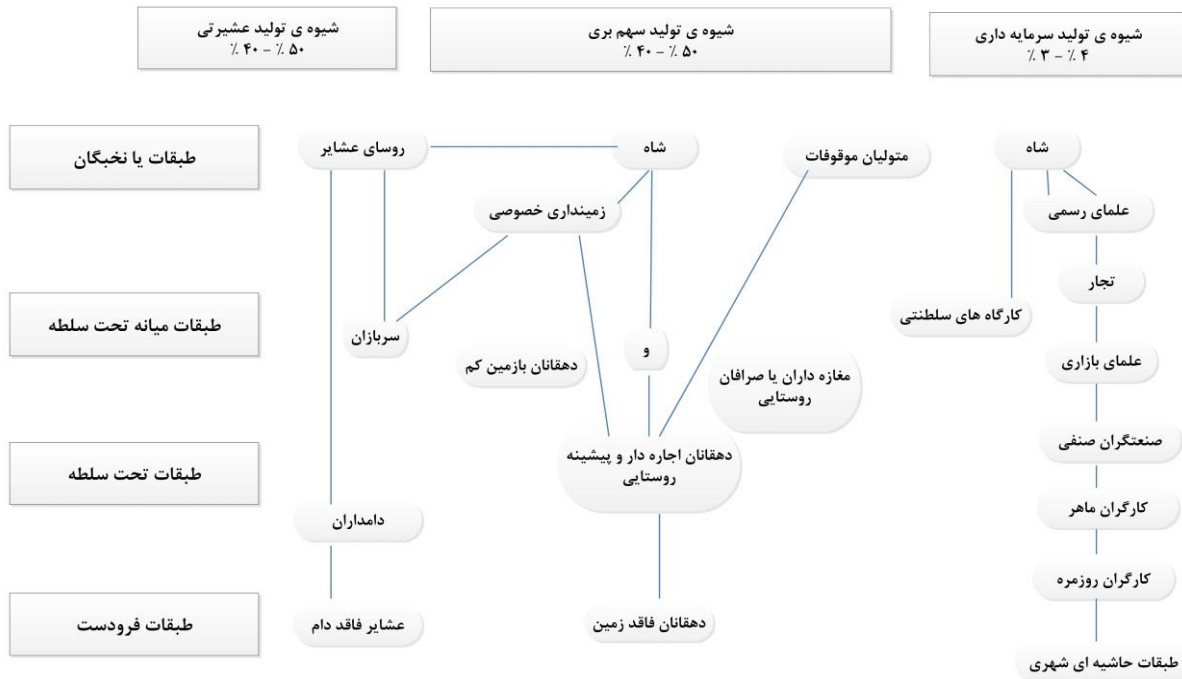
جامعه همچون نظامی سیستمی و به هم پیوسته است. این نظام از اجزای مختلفی تشکیل شده است و هر جزء در پی ارضای نیازی و برآوردن ضرورتی جمعی است. این اجزاء با هم در ارتباط متقابل اند. هر جزء آن هنگام می تواند به غایت خود دست یابد و کارکردهای ضروری اجتماع خود را برآورد که سایر اجزاء در جایگاه خود، به شکلی بهینه کارکردهای خود را به انجام برساند و نظام اجتماعی آن هنگام در حالت بهینه سامان می یابد که همه اجزاء در کنار هم عملکردی بی اختلال داشته باشند. چنین نظام اجتماعی در حد اعلامی کارایی خواهد بود و ناکارآمدی های احتمالی چنین سیستمی در گذر زمان شناخته و اصلاح خواهد شد و افراد تشکیل دهنده چنین جامعه ای به کمترین آسیب های اجتماعی مبتلا خواهند گشت. هر آسیب اجتماعی حاصل اختلال در عملکرد بهینه یک یا چند جزء از اجزای سیستم جامعه است. بدین ترتیب بررسی سیستم اجتماعی زمانه مشروطه مستلزم شناسایی اجزای جامعه ایران و بررسی نقش و کارکرد آن ها در برآوردن نیازهای فرد و جامعه آن زمان خواهد بود.

در تاریخ اجتماعی به تحولات اجتماعی بسیار توجه می شود و با وجود پیچیده بودن زندگی یا حیات اجتماعی، می تواند دقیق و مبنایی برای قوانین تکامل اجتماعی باشد. بنابراین، تاریخ اجتماعی را می توان: دگرگونی های جامعه در گذر تاریخ دانست.

محور تحولات اجتماعی ایران عصر قاجار، انقلاب مشروطه سالهای ۱۲۸۴ تا ۱۲۹۰ش بود که به نام انقلاب یا نهضت مشروطیت شناخته شده است. این انقلاب را می توانیم حرکتی اجتماعی، مردمی و شهری با شرکت طبقات متعدد قلمداد کنیم که در آن، عوامل کلیدی دست اندرکار عبارت بودند از: تأثیر کم و بیش غرب به گروهها و طبقه های اجتماعی، پیچیدگی درونی ساختار اجتماعی و دولت، فشار خارجی از ناحیه دو قدرت عمده روسیه و انگلستان.

ساختار اجتماعی و طبقاتی ایران را بین سال های ۱۶۳۰ الی ۱۸۰

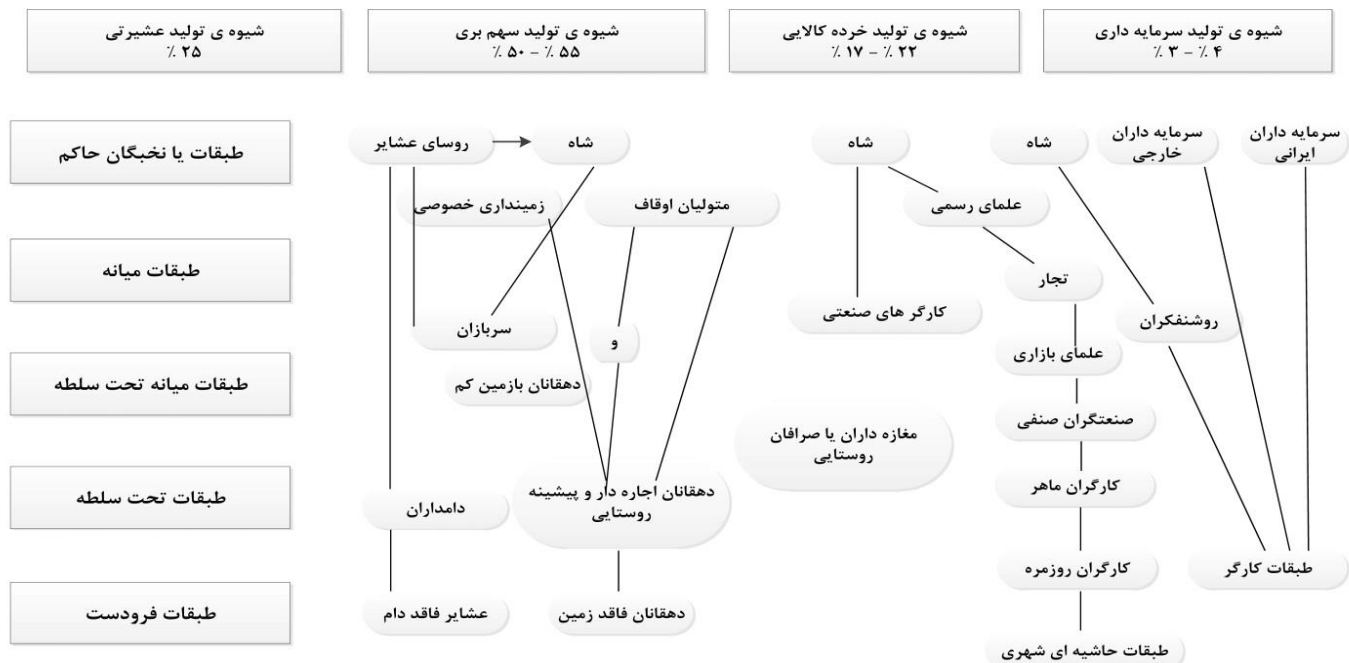
صورتبندی اجتماعی ایران در سال ۱۸۰۰ م / ۱۱۷۹ شمسی



همایش ملی پژوهشهای شعر معاصر فارسی

www.anjomanfarsi.ir

صورتبندی اجتماعی ایران در سال ۱۹۱۴ م / ۱۲۹۳ ش



جمعیت ایران در شیوه تولید سرمایه داری در سه برهه تاریخی ۱۶۳۰، ۱۸۰۰، ۱۹۱۴

سال	ایلی	دهقانی	خرده کالایی	سرمایه داری
۱۶۳۰	۳۴-۴۰	۴۵-۵۵	۱۰-۱۵	۰
۱۸۰۰	۳۰-۵۰	۴۰-۵۰	۱۰	۰
۱۹۱۴	۲۵	۵۰-۵۵	۱۷-۲۲	۳-۴

ساختار اجتماعی اقتصادی ایران در سال ۱۹۱۴

مشروطیت از نظر لغوی

مشروطیت^۱ واژه ای است که در فعل constitute ریشه دارد. و خود آن نیز به معنای تشکیل دادن، بنیاد نهادن و تاسیس کردن است (Bacley، ۱۹۹۲: ۱۲۲). هنگامی که به شالوده مشروطیت به عنوان نظام سیاسی توجه میکنیم در خواهیم یافت که از مهمترین بنیان های آن را "قانون اساسی" و "پارلمان" تشکیل می دهد. بر این اساس می توان چنین استنباط کرد که شکل گیری نظام مشروطه می تواند به معنای بنیان گذاری شالوده های نوینی به نام: قانون اساسی و پارلمان باشد. به عبارت دیگر، مشروطیت به حکومتی اطلاق می گردد که بر شالوده قانون اساسی و نظام پارلمانی استوار باشد (حائری: ۱۳۶۲، ۲۵۲). هنگامی که به کارکرد های نظام مشروطه توجه می نمایم، برداشت فوق

از تاسیس کردن و بنیان نهادن را بهتر می‌توان دریافت. زیرا در نظام مشروطه، تلاش بر این امر واقع می‌شود تا با تاسیس بنیاد سیاسی - اجتماعی جدید از قدرت شهروندان و اختیارات آنان با توسل به قانون اساسی کاسته شود.

گذار تاریخی مفهوم مشروطیت

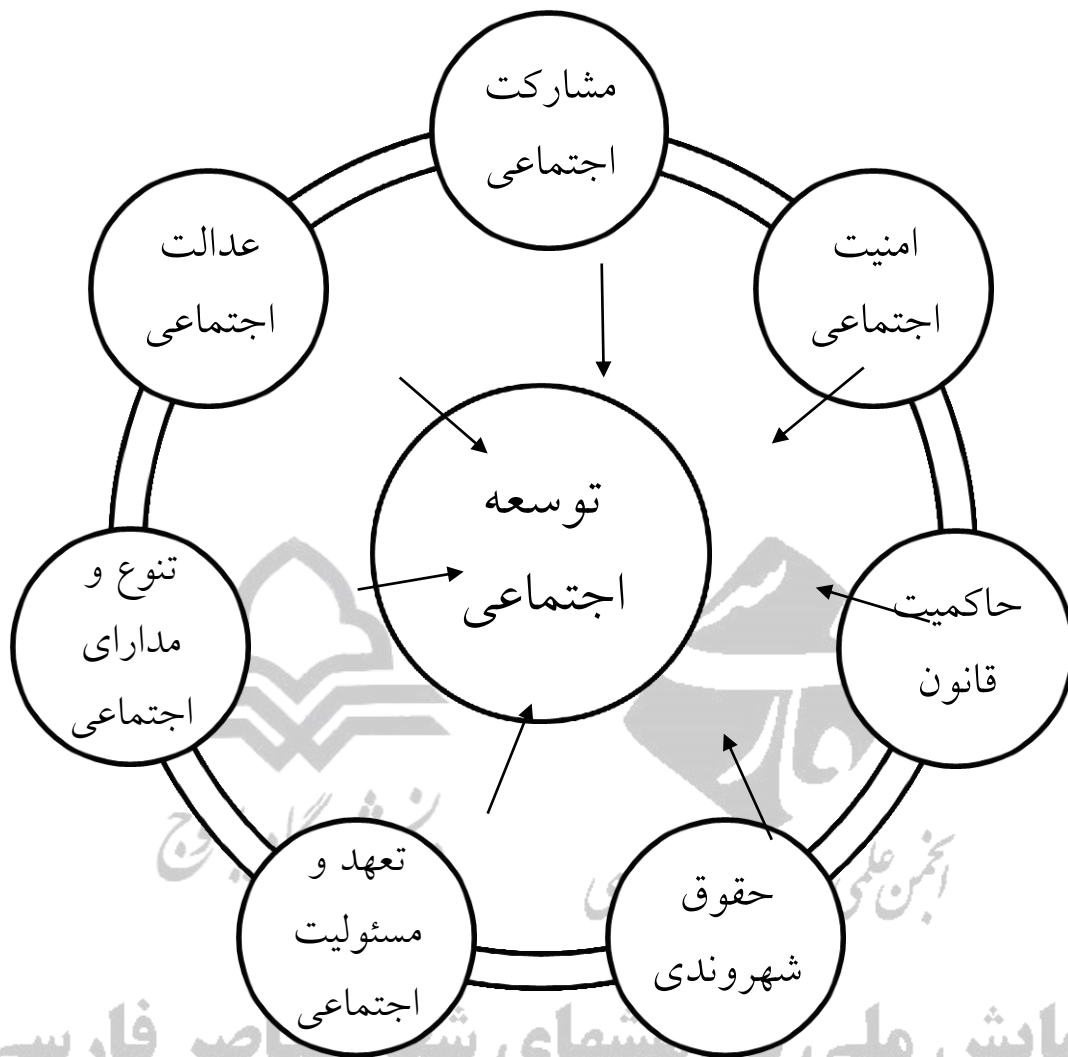
مشروطیت به معنای محدودسازی قدرت و کنترل چارچوب‌های هنجاری آن، موضوع تازه‌ای نیست و سابقه‌اش به قرن‌های بسیار دوری می‌رسد. ولی دگرگونی‌هایی که تا به امروز درباره مبانی مشروطه و مرجعی که قدرت شهروندان به اعتبارش محدود می‌شود رخ داد، به شکل‌گیری اندیشه جدیدی از مشروطیت منجر شد که از جهات بسیاری با ماهیت سنتی و کهن آن تفاوت دارد. به عنوان مثال؛ "موضوع تحدید قدرت" یکی از شالوده‌های اساسی مشروطیت است. که مشمول تحولاتی عمیق بوده و دقت در آن‌ها جوهره اساساً متفاوت شکل جدیدش را با شکله سنتی‌اش نشان خواهد داد. آن‌چه مفهوم نوین تحدید قدرت را از دایره شباهت‌هایی صرفاً صوری با برداشت سنتی‌اش خارج می‌سازد، در حقیقت تحولی است که در محتوای مرجعیت "در گذر زمان به وقوع پیوست به گونه‌ای که منجر به مرزبندی صریحی میان مرجعیت سنتی و مدرن گردید.

علاوه بر مسئله فوق، شکل‌های اساسی دیگری نیز وجود دارند که در فرایند تحولات تاریخی مشروطیت دچار تغییر شده‌اند؛ مسائلی نظیر حقوق و دگرگونی‌هایی که پیرامون شکل‌های سنتی قانون روی داد و در نهایت به پیدایش حقوق مدنی منجر شد. و یا مفهوم بنیادی دیگری به نام "سکولاریزاسیون" که فی‌نفسه بسیاری از تحولات فوق را در خود جای می‌دهد.

اصطلاح "سکولار" از نظر لغوی به "دنیوی"، "غیردینی و..." و سکولاریزاسیون به "دنیوی کردن"، "جدانگاری دین از دنیا" ترجمه شده‌اند. به‌طور کلی سکولاریزاسیون فرایندی است که طی آن بشر به تدریج از رویکردهای غایت‌اندیشانه و اساطیری و باورهای دینی و کهن دست شسته و در عوض به ملاک‌هایی بشری و مقتضیاتی عصری روی می‌آورد.

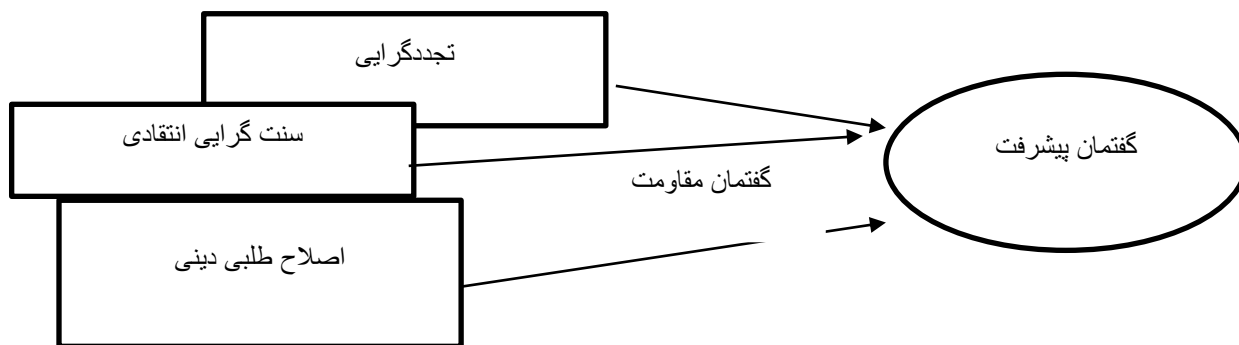
مهمترین ویژگی‌های مشروطه به مفهوم جدید آن، سکولاریسم و فرآیند تقدس‌زدایی است که به معنای تفکیک ابعاد سیاسی و اقتصادی از دین می‌باشد. به تعبیر دیگر، مشروطه در مفهوم جدیدش ارتباطی تنگاتنگ با فرایند سکولاریزاسیون دارد و در نتیجه استقرار آن به عنوان یک نظام حکومتی، خواه ناخواه به معنای تفکیک دین و معیارهای قدسی از جنبه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حیات آدمی است. از این منظر آن‌چه از خصوصیات مشروطه قابل استنباط است توجه به مفاهیم ترقی و پیشرفت در چارچوب تجویزی برای ساختار اجتماعی و منفک کردن خیر این جهانی و خیر آن جهانی است. (ملک زاده، ۱۳۲۸، ۵۰)

مدل شاخص های توسعه اجتماعی



همچنان که اشاره شد از همان ابتدای شکل گیری انقلاب، تصورات و تعابیر متفاوتی در متن گفتمان اصلی پیشرفت در مشروطیت، شکل گرفت که گفتمان های برآمده از افکار و اندیشه های آنان را واجد خصایصی ویژه و متمایز از هم نمود. در ادامه نمودار سه خرده گفتمان تجدد، اصلاح طلبی و سنت گرایی (به عنوان گفتمان مقاومت) نشان داده شده است:

سه خرده گفتمان تجدد، اصلاح طلبی و سنت گرایی (به عنوان گفتمان مقاومت)



گفتمان تجدد گرایانه

گفتمان تجدد گرایی که از آن با تعبیر دیگری نظیر «غرب گرایی»^۲، «نو گرایی»، «سکولاریسم»، «طرفداران مدرنیسم»^۳، «انطباق گرایی»^۴، «مدافعین مدرنیته»^۵، «غریزدگی» و «تجدید نظر طلبی»^۶ یاد می شود (ر.ک: حائری ۱۳۶۴؛ قیصری ۱۳۸۳؛ موثقی ۱۳۸۰؛ آدمیت ۱۳۴۰)، یکی از گفتمان های اصلی مندرج در گفتمان اصلی پیشرفت در مشروطه است. حاملان این گفتمان که بیش از هر گروه دیگری متأثر از مفاهیم و صورتبندی های سیاسی مدرنیته هستند و با نوعی ایدئولوژی پردازشی و کنشگری فعالانه اجتماعی توانستند به عنوان پایه گزاران عناصر محوری گفتمان مشروطیت به موقعیتی محوری دست یابند.

گفتمان اصلاح طلبی یا احیا گران اسلامی

گفتمان "اصلاح طلبی"^۷ که از آن با عناوین دیگری نظیر "احیا گری اسلامی"^۸، "مدرنیسم اسلامی"^۹ و "تجدید نظر طلبی اسلامی"^{۱۰} نیز یاد می شود جریانی است که به واسطه احساس رکود و ضعف نسبی کشورهای اسلامی به طور کلی و ایران به طور خاص در صدد کاهش فاصله میان دوهویت مدرن/ سنتی برآمده و به طرح علایق و خواسته های سیاسی مدرن در قالب نمادها، اندیشه ها و آرمان های اسلامی مبادرت می ورزد (Bakhash.shaul, 1978:2). ضعف تدریجی دولت های مسلمان، آنها را به این باور رساند که به واسطه ی ازدست رفتن قدرت و اقتدار پیشین ودوری از تعالیم این اسلامی، جهت رهایی از این وضعیت می بایست اقدامی نمود. آنها در جستجوی گذشته، منبع اصلی قدرت را در "اسلام اصلی"^{۱۱} و "حقیقی"^{۱۲} یافتند و هرف نهایی از طرح مجدد اسلام، اعاده ی اقتدار گذشته ی مسلمانان بر محور تعالیم اسلامی و مقابله با تهاجم بنیان فکن غرب بود.

حاملان این گفتمان که بیشتر در صدد پاسخگویی و چاره جویی به مسئله ی زوال هستند برای رهایی از وضعیت پیش رو، به باز تفسیر و فرمول بندی مجدد قواعد و متون اسلامی در پرتو نفوذ فراگیر اندیشه های مدرن برمی آیند.

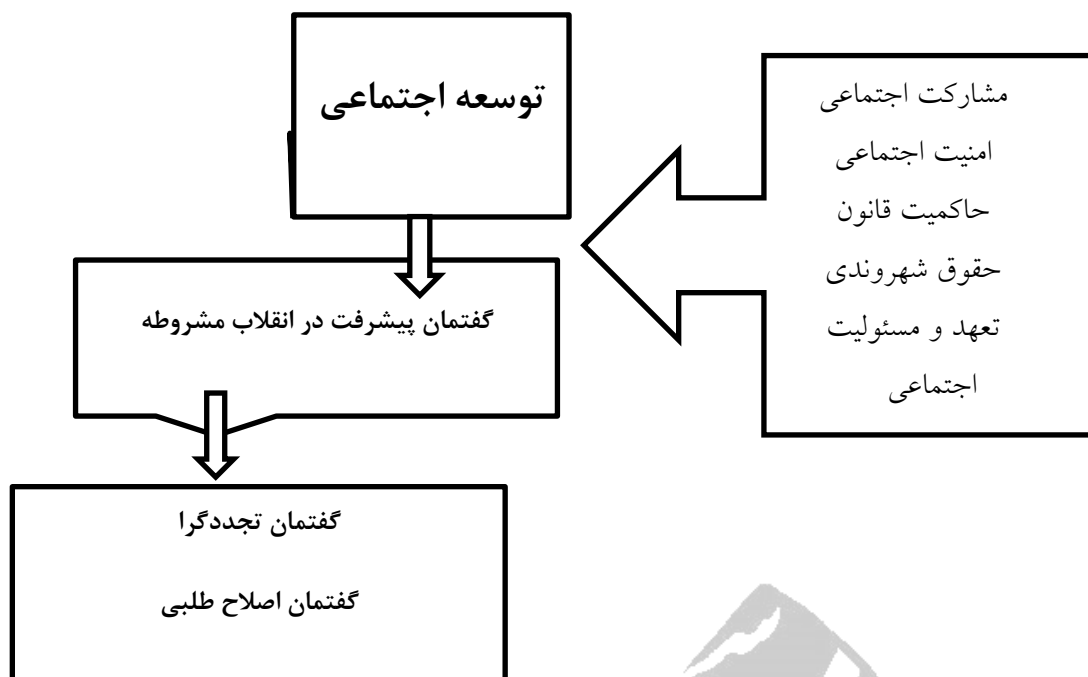
جدول زیر وضعیت خرده گفتمان ها در پیشرفت و حاملان آنها را نشان می دهد:

خرده گفتمان های گفتمان پیشرفت و حاملان آن ها

خرده گفتمان های مستتر در گفتمان اصلی روشنفکران حامل و بیان کننده این خرده گفتمان ها

تجدد	میرزا ملکم خان ناظم الاسلام، میرزا آقاخان کرمانی، آخوند زاده، طالبوف تبریزی
اصلاح طلب	محمد حسین نائینی
سنت گرایی	فضل الله نوری

مدل مفهومی مقاله را به صورت زیر می توان ترسیم کرد:



عوامل شکست گفتمان پیشرفت و تجدد در انقلاب مشروطه ایران

اما گذشته از این تغییرات مثبت اولیه که بیشتر در حوزه سیاسی رخ داد، در چشم انداز نهایی، مشروطه نتوانست به اهداف کلان خود یعنی تحقق دولتی ملی که در همان قالب مشروطه سلطنتی رایج بتواند زمینه را برای کارکرد صحیح نظام پارلمانی، مسئولیت قوه مجریه، تفکیک قوا، محدود بودن مدت تصدی مشاغل، گردش آزادانه نخبگان و آگاهی عمومی فراهم می آورد. به تعبیر بهتر، این انقلاب هر چند نتوانست به صورتی صاعقه آسیا، بسیاری از زوایای روبنایی جامعه را تا حدودی تحت تاثیر قرار دهد، اما نتوانست با در انداختن نوعی آگاهی عمیق اجتماعی، فرایند هویت یابی مدرن را غنا بخشد و در جامعه تثبیت نماید. حال پرسش اصلی این است که علل اصلی این ناکامی را باید در کجا جست و جو نمود؟ آیا می توان با نگاهی متعلق به پدیده مشروطیت، راز اصلی تنش های برآمده از دو گفتمان هویتی سنتی و مدرن که تا به امروز نیز استمرار یافته است را در چارچوب مجموعه عواملی متقن احصاء نمود؟ واقع مطلب این است که در این زمینه آن چه بیش از همه باید مدنظر قرار گیرد پرهیز از نگاه های تک عاملی، مبتنی بر بچسب زنی مدح آمیز یا ذم قهر آمیز، یا مورد توجه قرار دادن مسئله از منظر ادراک ما در زمان حال است. به تعبیر بهتر، لازمه فهم دلایل انسداد در گفتمان مشروطیت و ترسیم محدودیت های برآمده از آن نیازمند نوعی نگاه چند عاملی است که بتواند با فهم واقعیات متکثر بروز یافته در متن این گفتمان به ادراکی فراگیر و قابل استناد دست یابد.

به طور کلی می توان عوامل به بن بست رسیدن گفتمان مشروطیت را متأثر از دو عامل داخلی و خارجی دانست. در زمینه داخلی می توان به زمینه ها و عوامل فکری، اجتماعی- فرهنگی و سیاسی اشاره کرد. در ادامه بحث تلاش خواهد شد تا ضمن بررسی نقش هر یک از این عوامل دریابیم که چرا گفتمان مشروطیت به وضعیتی دچار شد که در آن شاهد از دست رفتن خوش بینی های اولیه و زوال آن باشیم.

عوامل فکری

مهمترین مانع فکری که از ابتدا سنگ بنای مشروطیت بر آن نهاده شد. فقدان تامل در بنیادهای نظری مدرنیته و ارائه نگرشی ساده انگارانه- ایدئولوژیک از آن بود که مبتنی بر تجدد سیاسی بود. چنین محدودیتی متضمن عدم درک صحیحی از میراث هویتی خود دیگری و چگونگی جمع نسبت میان آن دو. عدم ابتناء مبانی فکری بر شالوده

های محکم نقادی و بازاندیشی، دفاع ساده انگارانه از هویت متجددانه، سیاست زدگی و ظهور نگرش های گفتمانی - ایدئولوژیک متعارض و بعضاً غیرقابل توافقی بود که زمینه را برای قطبی شدن جامعه فراهم آورد. بنابراین به واسطه فقدان نوعی تامل بنیادین جهت نزدیک نمودن دو گفتمان هویتی سنتی مدرن. نوعی ناهم زمانی و ناموزونی فرهنگی بروز یافت. که پیامد آن اغتشاش در معنا، عدم تدقیق خواسته ها، سیال بودن مرزهای هویتی، فرصت طلبی سیاسی، و بروز ناهنجاری های فرهنگی بود که از آن به «اسکیزوفرنی فرهنگی» تعبیر می شود. «تقلیل دادن، تشبیه ساختن، فشرده کردن یک گفتمان در دیگری، مسخ و تحریف دو گفتمان هویتی مدرن ایرانی به واسطه یک ناآگاهی دوسویه» هم از خود و هم از دیگری) بود که چیزی جز یک هویت دوگانه ناموزون را با ارمغان نیاورد. بنابراین، یکی از دلایل اصلی انسداد گفتمان تجدد و پیشرفت در مشروطیت، بحران معنا و عدم تدقیق مفاهیم بود که به واسطه خواستگاه اجتماعی متفاوت هر یک از رهبران فکری مشروطه تعبیری متفاوت از مفاهیم مورد نظر ارائه می شد.

عوامل سیاسی - اجتماعی

در حوزه عوامل سیاسی - اجتماعی می توان به مولفه هایی نظیر فقدان رهبری واحد، ناآگاهی و جهل عمومی، شتاب تحولات و فقدان فرصت کافی برای آموزش عمومی، فقدان طبقه متوسط نیرومند به عنوان ستون فقرات رژیم تجددی جدید، دشمن خویی و ستیزه جویی محمد علی شاه، نارسایی ساختار حقوقی مشروطه، بازتولید استبداد به واسطه ریشه های عمیق در ساختار غفلت زده مردم، تشدید اختلافات و تضعیف همبستگی ملی، هرج و مرج و بی ثباتی سیاسی و فروپاشی ساختار اقتصادی در تحلیل چرایی مشروطه اشاره نمود. ناآگاهی و جهل عمومی - چه در میان توده های مردم و چه در میان نخبگان - یکی از مولفه های اصلی به بن بست رسیدن گفتمان مشروطه در سطح اجتماعی آن بود

«سرپرسی سایکس» در کتاب تاریخ ایران این ایده را مطرح می کند که مردم ایران جز یک نظر کلی مبهم از مشروطه که منشاء آن بیشتر ناشی از عدم رضایت از استبداد بود، نداشتند. بعضی آن را علائم آخرالزمان می دانستند و مردم را به توبه و عبادت می خواندند و در بعضی شهرها و قصبات دسته هایی برای امر به معروف و نهی از منکر راه افتاد. کسروی، احمد (۱۳۴۹).

تناقض اصلی گفتمان مشروطیت در این بود که به رغم در انداختن تلاشی جدی برای طرح تجدد سیاسی و اجتماعی و نوسازی نهاد های دولتی - ساختارهای اصلی اجتماع دچار تحول و تغییر نشده بود و همین امر می توانست به باز تولید مجدد استبداد منجر شود. از این رو، بیراه نخواهد بود که برآمدن دولت اقتدارگرای رضا خان را ناشی از کاستی های تفکر مشروطه بدانیم. گفتمان تجدد و پیشرفت، با همه ی ناسازگاری های درونی خود، اندکی بعد از انقلاب مشروطه، موجد اصلاحات دوره پهلوی اول شد.

به صورت خلاصه شبکه مضامین گفتمان مقاومت در برابر گفتمان پیشرفت در سنت گرایی انتقادی به شرح زیر بیان کرد:

شبکه مضامین گفتمان مقاومت در برابر گفتمان پیشرفت در سنت گرایی انتقادی

مضامین مقاومتی در برابر تجدد
نفی آزادی و برابری، مخالفت با پارلمان، جعل
قانون جدید.

زنجیره شبکه مضامین در گفتمان تجدد گرایی

عناصر و مولفه های درون گفتمانی

حاملان گفتمان

تصور کلیت نگر از مدرنیته، تجدد سیاسی و انتظام دستگاه دولت، تاکید بر
وجه انطباقی مدرنیته با اسلام، مفهوم آدمیت، جایگاه عقل

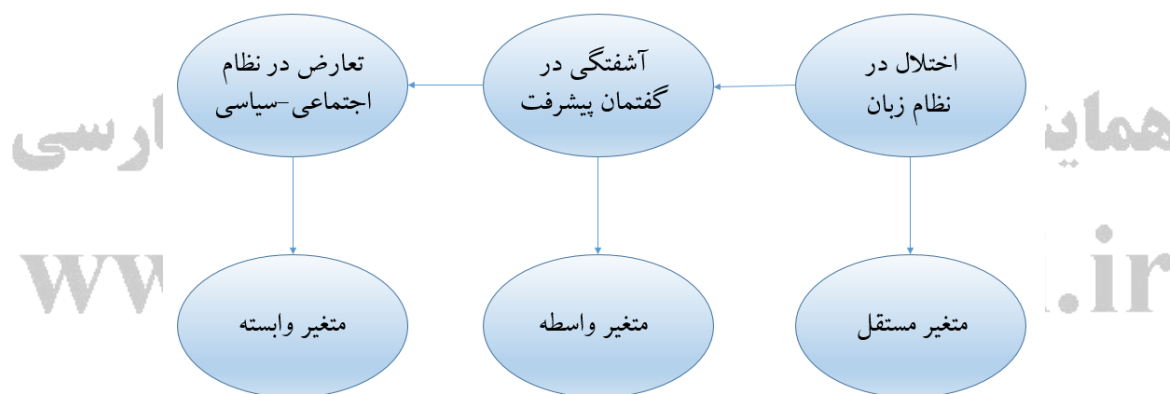
میرزا ملکم ناظم الدوله

حضور عنصر نقد و آگاهی، تاکید بر علم و عقلانیت، قانون و وجوب سلطنت مشروطه، آزادی و مساوات	میرزا عبدالرحیم نجار تبریزی (طالبوف)
ناسیونالیسم نوستالژیک، تاسیس دولت مشروطه و بنیادهای جدید سیاسی فرنگیان، عقل و علم تجربی	میرزا آقاخان کرمانی
جایگاه عقل و طرح اندازی عقول ارباب تجربه، در میانه تجدید نظرطلبی و تشخص در متن ناسیونالیسم رمانتیک	میرزا فتحعلی آخوندزاده

زنجیره شبکه مضامین در گفتمان سنت گرایی انتقادی

عناصر و مولفه های درون گفتمانی	حاملان گفتمان
نفی آزادی و برابری، مخالفت با پارلمان، جعل قانون جدید.	فضل الله نوری

از جهتی دیگر؛ چالش های گفتمان پیشرفت و تجدد زمانه مشروطه، در عین حال چالش های زبانی برای تعیین مرز معنایی واژگان کلیدی چون «ملت»، «دولت» و «مشروعیت» بود. در آن چالش های زبانی لایه های متفاوت معنایی به سنگر مبارزات گفتمانی تبدیل شده بود. لایه های معنایی کهنه و نو بیانگر تقابل سیاسی- اجتماعی گوناگون و منافع اقشار اجتماعی گوناگون بود. در این برخوردها لایه های معنایی نو و کهنه هم چون برخورد اجتماعی، با هم سازش و آمیزه های معنایی را به وجود آورد که نمایانگر حال و هوای، بافت اجتماعی فرهنگی ایران در انقلاب مشروطه ایران بود. که با شماتیک زیر سعی در روشن کردن رابطه اختلال در زبان و تغییرات در گفتمان های سیاسی- اجتماعی داریم:



نتیجه گیری

عوامل موثر بر وقوع انقلاب مشروطیت ایران، سال هاست که از ابعاد گوناگون بحث و بررسی شده است؛ اما به نظر می رسد بیشتر پژوهش های انجام شده در این زمینه با تاثیرپذیری از تحقیقات پیشین و به منظور برجسته کردن عقب ماندگی های ایران عصر قاجار، تندروانه به بیان ناتوانی حکومت و پنهان نگه داشتن پیشرفت های کشور پرداخته و حتی منکر هر گونه پیشرفت و نوسازی در این دوره شده اند. اما انقلاب مشروطه ایران، تلاشی برای تبدیل گفتمان سنتی و استبدادی به گفتمان پیشرفت و تجدد بوده است و مشارکت همه گروه های مردم در این انقلاب، پذیرش افکار نو در میان عموم مردم و نه فقط روشنفکران نوگرا را نشان داده است. همین مسئله لزوم تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بین المللی گسترده ای را در سال های پیش از انقلاب مطرح کرده، که به گذر گفتمان پیشرفت و تجدد انجامیده است. پس لازم است که با بررسی اوضاع و احوال جنبه های متعدد زمینه

اجتماعی زمانه مشروطه، به درکی نسبتاً روشن و گویا از این دوران گذر و مهم برای دست یابی به زاویه دیدی مناسب از دوران گفتمان‌های پیشرفت و تجدد برسیم.

شاید بتوان گفت؛ که گفتمان کنونی جامعه ایران درباره تجدد و مدرنیسم و تحول به سمت جامعه مدنی و مدل‌های مختلف دموکراسی و حاکمیت مردم بر ساختارهای مختلف حکومتی بیش از آنچه که بخواهد زاینده و بالانده گردد و به سمت تثبیت و تحکیم پایه‌های دموکراسی به بهره‌گیری از فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن باشد. در صدد حل پارادوکس مزبور بوده و هنوز هم نتوانسته است گره از کلاف سردرگم سنت و تجدد بازگشاید.

علی‌رغم گذشت بیش از یک قرن از گفتمان پیشرفت در ایران، هنوز ماهیت گفتمان مزبور با آنچه که در قرن نوزدهم میلادی بوده است تفاوت اساسی پیدا نکرده است. آن چه که در حقیقت گفتمان معاصر را از گفتمان گذشته در این زمینه متمایز می‌کند زبان گفتمان است که تحول اساسی پیدا کرده است. مقصود از «زبان گفتمان» چگونگی و شیوه طرح موضوع و بحث درباره مسائل و جنبه‌های مختلف پیرامون پیشرفت و پیامدهای آن می‌باشد. در حقیقت آن چه که به طور اساسی متحول شده است تغییر زاویه نگاه به این موضوع است نه آن که مسائل مربوط به موضوع به لحاظ ماهیتی و کاربردی دستخوش تغییر جدی چه از نظر تئوری و چه از نظر عملی شده باشند.

پی‌نوشت

1. constitutionalism
2. Westernization
3. Adaptionism
4. Apologists
5. Revisionism
6. reformism
7. Islamic Revivalism
8. Islamic Modernism
9. Islamic Revisionism
10. Pure Islam
11. True Islam



منابع فارسی

- آخوندزاده، میرزا فتحعلی (۱۹۶۳). الفبای جدید مکتوبات (گفتگوی ملکم با آخوندزاده). گردآورنده حمید آراسلی، باکو: نشریات علم
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۵ب). فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطه ایران. تهران: انتشارات پیام
- حائری، عبدالهادی (۱۳۷۸). نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایران با تمدن بورژوازی غرب. چاپ سوم، تهران: امیرکبیر
- حائری، عبدالهادی (۱۳۸۳). رویارویی اندیشه‌ها در انقلاب مشروطیت (گفت و گو). تهران: نشر هرمس
- طالبوف، میرزا عبدالرحیم (۱۳۵۷). آزادی و سیاست. به کوشش ایرج افشار. تهران: سحر
- کسروی، احمد (۱۳۴۹). تاریخ انقلاب مشروطه ایران. چاپ شانزدهم. تهران: انتشارات امیرکبیر
- ملک زاده، مهدی (۱۳۲۸). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. تهران: انتشارات سقراط
- ملکم خان ناظم الدوله، میرزا (۱۳۶۹). روزنامه قانون. تهران: انتشارات کویر
- میرسپاسی، علی (۱۳۸۴). تاملی در مدرنیته ایرانی. ترجمه جلال توکلیان. تهران: طرح نو

منابع خارجی

- Bacley.R.C(1992). *New tight on the Iranian Constitution Movement*. In : Qajar Iran. Edited by Edmond Bosworth and Carole Hillenbrad. California: mazda Publisher.
- Bakhash.shaul(1978). *Iran, Monarchy, Bureacracy and Reform under Qajar: 1858- 1896*. London: Ithaca press
- Fairclough.Norman. *Language and power*. London.Longman.1991